

فصلنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال سوم، شماره سوم (پیاپی ۱۱) پاییز ۱۳۹۹، صص ۱۷۹۰-۱۷۷۷
مسئولیت کیفری نقصان یافته جرایم اطفال و نوجوانان در سیاست جنایی ایران و نظام حقوقی انگلستان

کیانوش هادی پور^۱

مسعود قاسمی^۲

یزدان نصرتی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۱۴

چکیده

زمینه و هدف: کاهش مسئولیت در جایی تحقق می‌یابد که جرم محقق شده و در قانون برای جرم ارتكابی مجازات تعیین گردیده است، در عین حال به دلیل وجود شرایطی، مجازات اصلی، قابل اعمال نبوده و مجازات سبک تری نسبت به مجازات اصلی به جای آن بر فرد تحمیل می‌شود، بدون اینکه به طور کلی و مطلق مجازات منتفی شود. یکی از مصادیق مسئولیت کیفری نقصان یافته، جرایم ارتكابی توسط اطفال و نوجوانان می‌باشد. اصولاً فرض نظام عدالت کیفری این است که شروع مسئولیت کیفری نسبی از ۹ سالگی آغاز و تا ۱۸ سالگی پایان می‌پذیرد. قانونگذار ایران در قانون جدید مجازات اسلامی در اقدامی قابل تقدیر، با پذیرش مسئولیت کیفری نقصان یافته در جرایم تعزیری برای اطفال و نوجوانان، سه مرحله زمانی را پس از تحقق بلوغ شرعی، شروع مسئولیت کیفری را تا سن هجده سالگی بعنوان مسئولیت کیفری کامل، در نظر گرفته است.

مواد و روش‌ها: تحقیق حاضر از لحاظ هدف، جزء تحقیقات کاربردی مسئله محور می‌باشد و از لحاظ شیوه جمع آوری اطلاعات، اسنادی بوده و اطلاعات جمع آوری شده رابه روش تحلیلی و توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: در هر دو نظام حقوقی ایران و انگلستان، مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان در موضوعات سن، عقل و رشد جزایی به عنوان یک اصل پذیرفته شده است. انتخاب سن ۹ و ۱۰ به ترتیب در حقوق ایران و انگلستان به عنوان حداقل سن مسئولیت کیفری بسیار پایین بوده و منطبق با وضعیت زیستی، روحی و روانی و واقعیت‌های موجود در زندگی اطفال و نوجوانان و مفاد کنوانسیون حقوق کودک نیست و از طرفی با وجود پذیرش مسئولیت کیفری نسبی در حقوق ایران و انگلستان، حقوق ایران این نوع مسئولیت را در جرائم تعزیری پذیرفته و در جرائم مستوجب حد و قصاص نپذیرفته است، لذا در این جرائم به تبعیت از نظر مشهور فقها، سن ۹ و ۱۵ سال تمام قمری به ترتیب برای دختران و پسران به عنوان سن مسئولیت کیفری مطلق محسوب می‌شود.

^۱ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

^۲ استادیار گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول). md.ghasemi@iauksh.ac.ir

^۳ استادیار گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. nosratiyazdan@ut.ac.ir

(۱) مقدمه

گاهی فعل ارتكابی از سوی مرتكب طبق قانون جرم می باشد اما به دلیل وجود عواملی از جمله صغر سن، به دلیل اینکه مرتكب دارای سوءنیت کیفری نیست، جرم ارتكابی قابل انتصاب به فرد نیست به این عوامل، عوامل رافع مسئولیت کیفری گفته می شود. وگاهی فعل ارتكابی که در شرایط معمولی و عادی جرم می باشد، طی شرایطی به حکم قانون جرم محسوب نمی شود به این عوامل، عوامل موجهه یا توجیه کننده جرم گفته می شود. گاهی نیز قانونگذار علل و عواملی تعیین می نماید که اگر چه مجازات اصلی در قانون مشخص شده اما با وجود این عوامل، مجازات اصلی قابل اعمال نبوده و در قانون، مجازات سبکتری نسبت به جرم اصلی در نظر گرفته می شود، این عوامل، عوامل کاهش مسئولیت کیفری هستند که باعث تبدیل مسئولیت کیفری تام و کامل به مسئولیت کیفری نقصان یافته و کاهش یافته می شوند. برای شناخت مفهوم مسئولیت کیفری کاهش یافته ابتدا باید به توصیف آن پرداخته شود. می توان گفت: کاهش مسئولیت در جایی تحقق یافته که جرم محقق شده و در قانون برای جرم ارتكابی مجازات تعیین شده در عین حال به دلیل وجود شرایطی، مجازات اصلی، قابل اعمال نبوده و مجازات سبک تری نسبت به مجازات اصلی به جای آن بر فرد تحمیل می شود بدون اینکه به طور کلی و مطلق مجازات متفی شود. در عوامل کاهش مسئولیت کیفری ارکان جرم باقی است و جرم به طور کامل تحقق یافته و شرایط اعمال مسئولیت کیفری نیز موجود است، اما به صورت استثنائی توسط قانون، بنا به عللی، مجازات مجرم کاهش می یابد و مجازات سبکتری بر فرد تحمیل می شود در نتیجه در بیان توصیف عوامل کاهش مسئولیت می توان گفت « اوضاع و احوالی است که به رغم تحقق ارکان جرم و وجود شرایط مسئولیت کیفری، در عین حال به دلیل وجود این اوضاع و احوال، قانون مسئولیت کیفری مجرم را کاهش می دهد بدین صورت که مجازات سبک تری برای مجرم وضع می نماید» این موارد جنبه استثنائی داشته و به صورت موردی در قانون مشخص شده است و در رابطه با جرم مشخصی می باشد. مخاطب حقوق کیفری در تشخیص مسئولیت، فردی عاقل و بالغ تلقی می شود و باید توانایی پاسخگویی به اعمال مجرمانه خود را داشته باشد. در حقوق کیفری این توانایی با تحقق بلوغ سنی، عقلی و عاطفی دفعتاً ایجاد نمی شود. بدین معنی که بین شروع سن مسئولیت کیفری و تحقق مسئولیت کیفری تام، نوعی مسئولیت کیفری نقصان یافته تعریف می شود. اصولاً فرض نظام عدالت کیفری این است که شروع مسئولیت کیفری نسبی از ۹ سالگی آغاز و تا ۱۸ سالگی پایان می پذیرد. مقنن در قانون جدید مجازات اسلامی در اقدامی قابل تقدیر، با پذیرش مسئولیت کیفری نقصان یافته در جرایم تعزیری برای اطفال و نوجوانان، سه مرحله زمانی را پس از تحقق بلوغ شرعی (شروع مسئولیت کیفری) تا سن هجده سالگی

بعنوان مسئولیت کیفری کامل، در نظر گرفته است. براین اساس، اطفال و نوجوانان در جرایم تعزیری پس از رسیدن به سن بلوغ با وجود آغاز مسئولیت کیفری، بلافاصله متحمل مسئولیت کیفری کامل همچون بزرگسالان نشده بلکه پس از گذشتن از سه بازه سنی نه تا دوازده سال، دوازده تا پانزده سال و پانزده تا هجده سال تمام شمسی - که هر دوره واکنش خاص و تعدیل یافته خود را دارد - به تدریج وارد دوره مسئولیت کیفری کامل خواهند شد. در این سه دوره مسئولیت کیفری افراد مزبور، نقصان یافته تلقی شده است.

۲) ورود به بحث

۲-۱- مفهوم حقوقی تعیین سن خاص برای مسئولیت

مهمترین عاملی که اطفال و نوجوانان را از بزرگسالان به جهت ارتکاب جرم و بزهکاری منفک می کند همین عامل سن است که تحت عنوان یک متغیر، منشاء اختلافات بسیار در ساختار تبهکاریست (معظمی، ۱۳۹۰: ۹۸). از نظر حقوقی کودک به فردی اطلاق می گردد که از نظر سنی به رشد جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده و از رشد عقلی و فکری لازم نیز برخوردار نباشد (عبادی، ۱۳۷۵: ۵). این در حالی است که در قانون مجازات مصوب ۱۳۷۵ سن مشخصی برای تشخیص طفل در نظر نگرفته و بلوغ شرعی را مرز میان کودکی و کبر دانسته است. طبق قانون مدنی سابق طفل یا صغیر کسی بود که به سن ۱۸ سال تمام نرسیده بود. مطابق ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی حاضر طفل یا صغیر کسی است که به سن ۹ سال تمام قمری در دختران و ۱۵ سال تمام قمری در پسران نرسیده باشد. این درحالیست که برای تعیین مفهوم طفل، قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ ماده ۸۸ فصل دهم از بخش دوم ذیل مبحث مجازات سن اطفال و نوجوانان را در زمان ارتکاب ۹ تا ۱۵ سال تمام شمسی همچنین در بخش چهارم ذیل فصل دوم با عنوان موانع مسئولیت کیفری طبق ماده ۱۴۷ سن بلوغ در دختران و پسران، به ترتیب ۹ و ۱۵ سال تمام قمری تعیین نموده است. این که آیا جنین نیز باید تحت عنوان کودک شناخته شود یا خیر، محل جدال بسیاری از حقوقدانان و همچنین کشورها در مصوبه پیمان نامه حقوق کودک بوده است. صرف نظر از ظهور اختلافات پس از تصویب این کنوانسیون و نهایتاً عدم قبول جنین به عنوان کودک باید تصریح کرد که این عدم شمول به معنای خارج کردن جنین از هر گونه حمایت حقوقی نیست (فن گلان، ۱۳۹۹: ۶۵۳).

۲-۲- سن حداقل قانونی به عنوان سن مصونیت اطفال

یکی از مباحثی که پس از انقلاب در تدوین قوانین کیفری همواره محل بحث و مورد توجه حقوقدانان بوده است، حدود مسئولیت کیفری اطفال و مجازات آنان بوده است. پیش بینی حداقل سن مسوولیت کیفری از موضوعات مورد اختلاف در قوانین کشورها محسوب می شود. تعیین این مرز می تواند ابعاد ماهوی و شکلی مهمی داشته باشد. مشخص کردن سن خاصی به عنوان سن مسوولیت مطلق کیفری می تواند به منزله عدم امکان تعیین تدابیر کیفری و اصولاً عدم امکان دخالت مقامات قضایی در

رسیدگی به جرائم ارتكابی اطفال تلقی شود. منظور از سن قانونی، سنی است که اطفال دارای اهلیت حقوق اجتماعی می شوند به عنوان مثال؛ اطفال پس از رسیدن به سن ۱۸ سالگی (سن قانونی) می توانند در بانک اصالتاً به نام خود افتتاح حساب نمایند. لیکن مقصود از سن پایین تر از سن حداقل قانونی، یعنی زیر ۱۸ سال که اطفال در فرض عدم مسئولیت کیفری دارای چه احکامی خواهند بود باید افزود که در خصوص اطفال بر اساس قانون مجازات اسلامی و حقوق مدنی در حقوق ایران، دیدگاه های متفاوتی وجود دارد. بدین منظور ابتدا بایست مفاهیمی چون مسئولیت مطلق و مسئولیت نسبی را در مورد اطفال تبیین بنماییم. مطلق بودن سن مسئولیت کیفری یا به تعبیری سن بلوغ کیفری^۱، سنی است که بزهکار مطلقاً بزرگسال تلقی شده و تماماً مشمول کیفر قرار می گیرد. سن مسئولیت کیفری در معنای خاص یا نسبی^۲ به معنای سنی است که طفل به درجه ای از رشد و بلوغ برسد که بتوان وی را مجرم تلقی کرده و طبیعتاً تابع حقوق کیفری ویژه اطفال دانست. در واقع، علت نسبی بودن به دلیل این است که از فردی به فرد دیگر متغیر بوده و نسبت به رشد و بلوغ طفل مورد نظر سنجیده می شود. (تدین، باقری نژاد، ۱۳۹۶: ۳۲-۳۱) در تعالیم اسلامی کودکی را به گونه ای دیگر نیز تقسیم بندی نموده اند.

الف. دوران کودکی و عدم تمییز مطلق که معمولاً زیر ۷ سال را شامل می شود که در این دوره کودک اصولاً دارای شعور و تشخیص خوب از بد نبوده و قدرت درک اعمال خود را ندارد و اعمال وی در صورتی که مجرمانه باشد، قابل انتساب به او نیست.

ب. دوران کودکی و تمییز نسبی که معمولاً طبقه سنی ۷ الی ۱۲ سال را شامل می شود که در این دوره کودک هنوز به مرحله رشد و کبر قانونی نرسیده ولی به طور نسبی می تواند بد و خوب را از هم تشخیص دهد و تا حدودی نتیجه اعمال خود را پیش بینی کند. در این مرحله تمییز و تشخیص نقش مهمی را ایفا می کند. مع ذلک، بین یک طفل خردسال غیر ممیز و یک فرد بالغ (وعاقل) مراتب و درجاتی وجود دارد (صلاحی، ۱۳۹۶: ۲۲۸).

۱- دوره کودکی و عدم تمیز مطلق - در این دوره طفل علی الاصول دارای شعور تشخیص خوب از بد نمی باشد که شامل کودکان کمتر از ۶ سال می باشد. ایشان از نظر عقلی در مرحله ای نیستند که بتوان وجود عمد و سوء نیتی را در رفتار آنان تشخیص داد. زیرا این قبیل کودکان به وضوح، ضوابط و قواعد زندگی اجتماعی و مفاهیم حق و مالکیت و حسن و قبح اعمال را نمی دانند. رفتارهای کودکان بر پایه خواسته های غریزی و اولیه ای استوار است که برای ارضای آنها، هیچگونه حد و مرزی را نمی شناسند.

۲- دوره طفولیت و عدم تمیز نسبی - در این دوره طفل به مرحله رشد و بلوغ قانونی نرسیده، ولی قادر است خوب و بد رفتار خود را به طور نسبی تشخیص داده و تا حدودی نتایج اعمال خود را پیش بینی

1 - Majority Penal

2 - Responsibility Penal

نماید. حال چنانچه قاضی احراز نماید که طفل خاطی علاوه و بر بلوغ جسمانی در حین ارتکاب جرم دارای قوه تمیز و تشخیص بوده است، می تواند نسبت به تعیین مجازات اقدام نماید و الا با احراز فقدان قوه تمیز کافی برای تحقق مسوولیت، طفل مسؤول عمل خود شناخته نشده و به جای مجازات، دادگاه می تواند طفل را برای تربیت به سرپرست طفل سپرده و یا به کانون اصلاح و تربیت اطفال اعزام نماید

۲-۳- سن کبر یا مسؤولیت کیفری کامل

سن کبر^۱ یا کبیر^۲ کسیکه ۱۸ سال تمام داشته باشد خواه زن باشد خواه مرد خواه عاقل باشد خواه سفیه و مجنون. کبیر در اصطلاحات مدنی نظیر بالغ در اصطلاحات فقهی است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۸، ش: ۴۴۸۰ و ۴۴۸۱) منظور از مسؤولیت کیفری کامل یعنی اینکه کودک به مرحله ی از رشد کامل رسیده باشد؛ به عبارت دیگر در این مرحله اصل براین است که همه افراد بشر در سن به خصوصی دارای رشد جسمی و عقلی کافی شده و قوه تمیز و تشخیص خوب و بد را به نحو کامل دارا هستند و این به معنی پایان دوران کودکیست، لیکن در چنین شرایطی چنانچه مرتکب جرمی شوند قابل انتساب به آنان است و مقررات کیفری بزرگسالان در باره آنان قابل اجرا بوده، مگر آن که برحسب اتفاق و حادثه قدرت تمیز را از دست داده باشند. از آنجایی که حقوق موضوعه ایران در این زمینه از فقه امامیه نشأت گرفته است، زمان شروع و پایان کودکی به همان نحوی که در فقه امامیه مطرح است، در قوانین ایران نیز انعکاس دارد.

۲-۴- مسؤولیت نقصان یافته نسبت به اطفال و نوجوانان در نظام حقوقی ایران و انگلستان

۲-۴-۱- سیاستگذاری مسؤولیت کیفری بر مبنای سن در نظام حقوقی ایران و انگلستان

سن عامل تعیین کننده های در رفتار و کردار انسان محسوب می شود، چندانکه هر دوره سنی به لحاظ ویژگی های خاص روانی و جسمانی خود آثار جامعه شناختی و حقوقی متفاوتی برای فرد به همراه دارد. سن، از نظر جامعه شناسی که در قالب بازه زمانی بیان می شود، مراحل مختلف جریان حیات انسان را در جامعه یا در یک محیط اجتماعی، معین و مشخص می کند. سن در واقع اندازه زمانی تاریخ اجتماعی فرد است که بر حسب نوع جامعه معنا و آثار متفاوتی پیدا می کند. سن، از نظر حقوقی نیز متغیر مهمی محسوب می شود. وضعیت حقوق و تکالیف افراد و پیامدهای آن در رشته های مختلف حقوق (حقوق مدنی، حقوق کار، حقوق اساسی، حقوق سیاسی، حقوق کیفری و...) بر اساس ادوار سنی مشخص و تعریف می شود.

سن، در حقوق کیفری اختصاصی از یکسو معیار جرم انگاری بعضی اعمال و رفتارها علیه صغار یا علت تشدید مجازات مرتکبان چنین جرائمی (کودک آزاری، کودک ربایی و...) است و ازسوی دیگر، معیار وضع جرائمی است که مرتکبان آنها صغار یا افرادی هستند که زیر سن معینی قرار دارند (به عنوان مثال،

¹ age Majorite

² Majeur

غیبت مکرر از مدرسه فرار یا ترک مدرسه و پرداختن به بعضی بازی های شرط بندی زیر سن شانزده سالگی در حقوق انگلستان (تغییر سن در جرم شناسی نیز سبب شده که علت شناسی جرائم اطفال موضوع پژوهش ها و مطالعات مستقلى واقع شود. سیاست جنایی افتراقی در قبال اطفال بزهکار که از واقعیت های جامعه شناختی، روانشناختی و جرم شناسی کودکی و نوجوانی نشأت گرفته است، امروزه در قواعد و مقررات بین المللی (قواعد بیجینگ، رهنمودهای ریاض، کنوانسیون حقوق کودک و...) و قوانین و مقررات داخلی کشور مورد توجه قرار گرفته و هنجارمند شده است. سیاستگذاری مسئولیت کیفری بر مبنای سن، شامل سیاست عدم مسئولیت کیفری^۱ سیاست مسئولیت کیفری نسبی^۲ و سیاست مسئولیت کیفری مطلق^۳ است

۲-۴-۲- سیاست عدم مسئولیت کیفری در نظام حقوقی ایران و انگلستان

در چنین سیاستی، نظام های حقوقی، یک سنی را به عنوان حداقل سن مسئولیت کیفری تعیین می نمایند. به طوریکه اشخاص زیر آن سن تعیین شده، فاقد مسئولیت کیفری شناخته می شوند. در سیاستگذاری جنایی اغلب کشورها، تحت تأثیر مکتب نئوکلاسیک با پذیرش تفاوت و تمایز بین اطفال و بزرگسالان، تعدیل مجازات اطفال از طریق موارد مخففه صورت می پذیرد. این مکتب موجب شده عدم مسئولیت کیفری تا سن معینی در قوانین کیفری پیش بینی شود (دانش، ۱۳۹۶، ۲۳). فرد در چنین سیاستی به واسطه فقدان تمییز به لحاظ صغر، از درک حسن و قبح افعال خویش عاجز می ماند و هرچند اغلب دارای اهلیت ارتکاب جرم است، اما وضعیت ادراکی او مانع از آن است که بتوان در برابر رفتاراش واکنش کیفری در نظر گرفت (حسینجانی، ۱۳۹۹: ۱۱)

با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مشاهده میشود که بار دیگر مقنن سن بلوغ یعنی ۹ سال و ۱۵ سال را معیار تعیین سن مسئولیت کیفری دانسته؛ اما این قانون نسبت به قوانین سابق، در خصوص اطفال، معارض با قانون گامهای رو به جلویی برداشته است و با حفظ ظاهر شرع از سیاست سابق عدول کرده و سیاست جنایی و افتراقی جدیدی را اتخاذ نموده است، هرچند که در ظاهر بازگشت به سن بلوغ است (پور قهرمانی، ۱۳۹۲: ۴۳) اطفال و نوجوانان معارض قانون در قانون مجازات ۱۳۹۲ به سه گروه کلی تقسیم شده اند:

- ۱- اطفال کمتر از ۹ سال که فاقد مسئولیت کیفری هستند.
 - ۲- اطفال و نوجوانانی که در زمان ارتکاب جرم، ۹ تا ۱۵ سال قمری دارند.
 - ۳- نوجوانانی که در زمان ارتکاب جرم ۱۵ تا ۱۸ سال شمسی دارند (حیدری، ۱۳۹۴: ۲۵)
- ملاحظه میشود که در حقوق کیفری ایران، سیاست مبتنی بر عدم مسئولیت کیفری، افراد زیر ۹ سال را شامل میشود. انتقادی که به این سیاست تقنینی وارد است این است که قرار دادن حداقل سن ۹ سال برای

¹ Non-criminal liability policy

² Relative Criminal Responsibility Policy

³ Relative Criminal Responsibility Policy

وارد شدن به سیستم کیفری بسیار پایین است و از طرفی، قرار دادن این سنها، به عنوان اماره بلوغ و بار کردن مسئولیت کیفری بعد از رسیدن به آن، عملاً باعث تبعیض و اعمال ناروای تفاوت در میان دختران و پسران از حیث تحمیل مسئولیت کیفری میشود. این عملکرد مقنن ایرانی با موازین بین المللی هم مطابقت ندارد. مقنن ایرانی در سیاستگذاری نوین خود برای اشخاص زیر ۹ سال که مسئولیت کیفری برای آنها تحمیل نمی شود، هیچ تصمیمی در نظر نگرفته است و به نظر می رسد، این یکی از خلأهای سیاستگذاری در حوزه حقوق کیفری است. حقوق کیفری ایران وقوع جرم را از ناحیه طفل پذیرفته است. ماده ۱۲۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در این ارتباط مقرر میدارد: «هر کس از فرد نابالغ به عنوان وسیله ارتکاب جرم مستند به خود استفاده نماید به حداکثر مجازات قانونی همان جرم محکوم می گردد. همچنین هر کس در رفتار مجرمانه فرد نابالغی معاونت کند به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می شود». ماده مذکور بیانگر حالتی است که نابالغ، مباشر جرم است؛ زیرا واژه «وسیله» ظهور در آن دارد، وسیله رابطه مستقیم با عملیات مادی جرم دارد، اما بهر حال، شامل حالتی نیز میشود که نابالغ به همراه نابالغ مشارکت در جرم داشته باشد. فرد نابالغ به صغیر ممیز و صغیر غیر ممیز تقسیم میشود و صغیر غیر ممیز به منزله ابزار ارتکاب جرم است و مسئولیت متوجه شخص بالغ است. (زراعت، ۱۳۹۲: ۲۲۲)

در حقوق ایران دوره زیر ۹ سالگی به دوره فقدان مسئولیت (اهلیت) کیفری معروف است: در حقوق انگلستان، بخش ۵۰ از قانون کودکان و افراد جوان^۱، ۱۹۳۳ سن مسئولیت کیفری را از ۷ سالگی به ۸ سالگی افزایش داد؛ و همچنین قانون عدالت کیفری ۱۹۶۳ این سن را به ۱۰ سالگی افزایش داد و قانون کودکان و افراد جوان ۱۹۶۹ افزایش این سن را به ۱۴ سالگی پیشنهاد داد؛ اما این بخش از قانون ۱۹۶۹ هرگز تبدیل به یک قانون رسمی نشد. اکنون، حداقل سن مسئولیت جزایی در انگلستان و ویلز ۱۰ سالگی است. به هر حال، در انگلستان و ویلز سروسامان دادن رفتار کودکان زیر ۱۰ سال امکانپذیر است مقررات نورمان نورماندی، از قرن هشتم سن ۱۰ سالگی را به عنوان سنی پیشنهاد میکنند که در آن افراد نوجوان بالای این سن، می توانند مسئولیت کیفری رفتار خود را بر عهده بگیرند و اشخاص زیر ۱۰ سال فاقد عنصر معنوی، یعنی نیت مجرمانه در نظر گرفته می شوند در سیاست گذاری جنایی انگلیس اصولاً اطفال زیر ۱۰ سال نمی توانند مرتکب جرم شوند، به همین خاطر، هرگاه شخص بالغی چنین کودکی را تحریک یا تشویق به ارتکاب جرم نماید، کودک را باید یک عامل بی گناه و شخص مشوق و محرک را مباشر جرم دانست، باین حال، حقوق انگلستان برای اطفال زیر ۱۰ سال تدابیری را تدوین کرده است. بخش ۱۱ از قانون جرم و بی نظمی مصوب ۱۹۹۸ کودکان زیر ۱۰ سال را مجاز می داند که در جایی که کودکان از قرار منع رفت و آمد شبانه تخطی کرده باشند یا مرتکب کاری شده اند که میتوانست جرم باشد یا رفتار ضد اجتماعی داشته باشند، مشمول سلامت قرار بگیرند.

1. Children and young person Act 1933

۲-۲-۳- سیاست مسئولیت کیفری نسبی در حقوق ایران و انگلستان

سن مسئولیت کیفری در معنای نسبی، یعنی سنی که اطفال به درجه ای از رشد و بلوغ برسند که بتوانند مرتکب جرم شوند و طبیعتاً تابع حقوق کیفری افتراقی، یعنی حقوق ویژه اطفال قرار گیرند. سن مسئولیت کیفری نسبی، سنی است که به عنوان مبدأ شروع مسئولیت کیفری محسوب می شود. در سیاست تقنینی، مسئولیت کیفری نسبی ریشه در قبل از انقلاب دارد. قانون مجازات عمومی مصوب سال های 1304 و 1352 مسئولیت کیفری نسبی را به رسمیت شناخته بود.

براساس قوانین مذکور، سن شروع مسئولیت کیفری 12 و سن تام مسئولیت کیفری 18 سالگی محسوب می شد. (گل پرور، ۱۳۷۸: ۱۲۲)

(در قانون مجازات اسلامی 1370 مسئولیت کیفری نسبی پیش بینی نشده بود و این قانون مسئله تساوی سن شروع مسئولیت کیفری و مسئولیت کیفری تام را پذیرش داشت. (فتحی، ۱۳۸۸: ۴۵) در سیاست تقنینی بعد از انقلاب، برای نخستین بار در سال 1392 مسئولیت کیفری نسبی پذیرفته شد. در سیاستگذاری نوین ایران، سن شروع مسئولیت کیفری و سن مسئولیت کیفری تام از همدیگر جدا بوده و بین 9 سال تمام تا 18 سال تمام پیش بینی شده است. بررسی مواد ۸۸ تا 95 قانون مجازات اسلامی مصوب، 1392 این نتیجه را عاید ما می کند که قانونگذار صرفاً سن شروع مسئولیت کیفری و نسبی بودن آن را تا 18 سالگی شمس بدون تبعیض جنسیتی در مجازات تیزی پذیرفته است و فرد را بلافاصله وارد فضای مسئولیت کیفری کامل نمی کند، بلکه ابتدا مسئولیت کیفری نسبی یا نقصان یافته را اعمال میکند؛ اما در مجازات حدود و قصاص همچنان همانند قانون سابق سن شروع مسئولیت کیفری را به عنوان سن مسئولیت کیفری تام (9 سال و 15 سال تمام قمری) تلقی کرده است. فقها سن 9 سال تمام قمری برای دختران و 15 سال تمام قمری برای پسران را به عنوان سن مسئولیت کیفری پذیرفته و قائل بر مسئولیت کیفری این افراد هستند. سیاست کیفری انگلیس، در خصوص اطفال و نوجوانان بزهکار قائل بر پذیرش مسئولیت کیفری نسبی است. در این نظام حقوقی، بین مسئولیت کیفری نسبی و مطلق یک حدفاصل وجود داشته و فرد به یکباره وارد قلمرو کیفری نمیشود. در قانون اطفال و جوانان ۱۹۳۳ مبدأ و شروع مسئولیت کیفری 8 سالگی بوده و سن 17 سالگی تمام، یعنی اول سن 18 سالگی به عنوان شروع مسئولیت کیفری کامل بوده است. در قانون اطفال و نوجوانان مصوب ۱۹۶۹ شروع مسئولیت کیفری ده سالگی و مسئولیت کیفری تام 18 سالگی بود. این ملاک در قانون جرم و بی نظمی مصوب 19981 نیز حفظ شد، با این تفاوت که این قانون، اماره قانونی عدم توانایی ارتکاب جرم^۱ را لغو نمود. به موجب این اماره اطفال بین 10 تا 14 سال ناتوان از ارتکاب جرم هستند، بنابراین نمیتوان آنها را بدون ادله اثبات کننده این علم و یا به اصطلاح سوءنیت، تحت

¹ Doli incapax.

محکومیت کیفری قرار داد؛ اما بخش 34 قانون جرم و بی نظمی این اماره را نسخ و برای همیشه از میان برداشت، از این رو، در حال حاضر، اطفال از سن 10 سال به بالا میتوانند موضوع رسیدگی در دادگاه اطفال قرار گیرند (مهرا، 1390: 23).

۲-۴-۴- سیاست مسئولیت کیفری مطلق در حقوق ایران

مسئولیت کیفری مطلق مسئولیتی است که در آن، سنی به عنوان سن مسئولیت کیفری تعیین شده و اشخاص پس از رسیدن به این سن، از دیدگاه کیفری همچون اشخاص بزرگسال محسوب شده و واکنش کیفری در قبال بزهکاری آنها نیز به مثابه بزرگسالان است. در سیاست تقنینی ایران، در جرائم مستوجب حد و قصاص مقنن حدفاصلی بین شروع مسئولیت کیفری و مسئولیت کیفری تام قرار نداده و همینکه مرتکب در زمان ارتکاب جرم به سن بلوغ رسیده باشد، مسئولیت کیفری وی کامل بوده و مجازات حد و قصاص به طور کامل در مورد چنین شخصی اعمال می شود؛ بنابراین حقوق کیفری ایران در جرائم حدی و قصاص تابع سیاست سن بلوغ و نظر فقهاست. در جرائم مستوجب حد و قصاص به محض رسیدن مرتکب به سن بلوغ، اصل بر مسئولیت کیفری مطلق و کامل بوده و حالات سه گانه مندرج در ماده 91 قانون مجازات اسلامی به عنوان یک استثناء پذیرفته شده است. ماده 91 مقرر می دارد: «در جرائم موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از هجده سال، ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آنها به مجازات پیش بینی شده در این فصل محکوم می شوند.» لکن، در جرائم تعزیری مقنن از سیاست سن بلوغ عدول کرده و رسیدن به سن 18 سال تمام شمسی را به عنوان سن مسئولیت کیفری مطلق پذیرفته است، به نحوی که اگر سن مرتکب بین 9 تا 15 سال تمام شمسی باشد یکی از تصمیمات ماده 88 قانون مجازات اسلامی^۱ و اگر سن مرتکب بین 15 تا 18 سال تمام شمسی باشد، یکی از تصمیمات مندرج در ماده 891 قانون مرقوم اعمال می شود و چنانچه سن مرتکب در زمان ارتکاب جرم 18 سال تمام شمسی باشد مجازات تعزیری مقرر برای همان جرم در مورد وی اعمال می شود. در سیاست کیفری انگلستان رسیدن به سن 18 سال تمام ملاک و مبنای مسئولیت کیفری مطلق و کامل است و چنین فردی در صورت ارتکاب جرم، محاکمه و مجازات کامل علیه او در دادگاه بزرگسالان اعمال می شود (میر محمدصادقی، محمدی، 1395: 22).

۲-۴-۵- اماره عدم رشد در سیاست تقنینی انگلستان

سیستم عدالت کیفری انگلستان، زمانی افراد جوان را تحت پیگرد قانونی قرار می دهد که به سن مسئولیت کیفری برسند. در عوض این سیستم، در مورد اطفال، مفهوم ناتوان از ارتکاب جرم را به کار می برد. بر اساس دکترین حقوقی کودکان تا زمانی که به سن مسئولیت کیفری نرسیده اند، به طور کامل در قبال عملکردهایشان به لحاظ جزایی، مسئول نمی باشند. بلکه در صورتی از نظر کیفری مسئولیت دارند

که علاوه بر ارتکاب عنصر مادی و عنصر معنوی مقام تعقیب بتواند، و رای تمامی تردیدهای منطقی ثابت نماید که مرتکب در زمان ارتکاب فعل، بداند که آنچه انجام میدهد، یک خطای جدی است؛ بنابراین در حقوق کامن لا، یک کودک زیر 10 سال به عنوان فرد فاقد مسئولیت کیفری در نظر گرفته می شود؛ زیرا در این سن کودکان قادر به تشخیص غلط و درست نبوده و فاقد قصد و نیت جنایی لازم برای انجام بزهکاری هستند. فرضیه این فرصت را می دهد که مقام تعقیب فراتر از هرگونه تردید منطقی اثبات کند اینکه در زمان ارتکاب بزه، کودک آگاه بوده که آنچه انجام میداده است، به طور جدی خطاست و کاری که انجام داده از روی شرارت و شیطنت محض کودکانه بوده است. پی بردن به اینکه کودک در زمان ارتکاب جرم از چنین آگاهی برخوردار بوده، مبهم است و حقوقدانان انگلیسی معیارهای متفاوتی در نظر گرفته اند. کنی از حقوقدانان انگلیسی در کتاب خود تحت عنوان *Outline of Criminal Law* معیار استنباط علم کودک به خطا بودن را چنین مطرح می کند: «آیا او آگاهی از تقصیر داشته و میدانسته که در حال انجام یک کار غلط است؟ حقوقدان دیگری به نام بلک استون این معیار را بدینصورت توصیف نموده که آیا کودک بر اساس قدرت درک و قضاوت خود قادر به تشخیص خوب و بد بوده است یا خیر معیار پیشرفته که فرضیه بر آن استوار است، عبارت است از: «آیا کودک می دانسته که عمل او خطا بوده - نه فقط خطا، بلکه «شدیداً خطا» و به طور جدی خطا؟». پروفیسور گلانوئل ویلیامز ضمن انتقاد از قاعده موردنظر گوری معتقد است، اگرچه یک کودک ممکن است قادر به تمیز دادن درجات اندک و شدید خطای اخلاقی باشد؛ اما از کودک به سختی میتوان انتظار داشت که بین درجات اندک و شدید خطای قانونی، تمیز بدهد. یک کودک چیزی از طبقه بندی جرائم و مجازات نخواهد دانست. ایشان بیان می دارد که معیار آگاهی و اطلاعات مربوط به «شدیداً خطا» یک معیار اخلاقی است فلسفه پیدایش این فرضیه این است که از کودکان در مقابل رنج بردن از گسترده کامل قانون در زمانی که مجازات مرگ به طور برابر با افراد بالغ، برای کودکان نیز در نظر گرفته می شد، حمایت کند. معیار اثبات موردنیاز برای رد کردن فرضیه، اثبات جرم فراتر از یک تردید منطقی است. هرچقدر که کودک به سن 10 سالگی نزدیک شود، مدرک موردنیاز برای رد این فرضیه قویتر خواهد بود.

در هر دو نظام حقوقی و فقه ما، سیاستگذاری مسئولیت کیفری در موضوعات سن، عقل و رشد جزایی به عنوان یک اصل پذیرفته شده است، بدین معنا که تحمیل مسئولیت کیفری نسبت به افراد، بر رسیدن به سن معین، برخورداری از عقل و رشد جزایی منوط شده است. انتخاب سن 9 و 10 به ترتیب در حقوق ایران و انگلستان به عنوان حداقل سن مسئولیت کیفری بسیار پایین بوده و منطبق با وضعیت زیستی، روحی و روانی و واقعیت های موجود در زندگی اطفال و نوجوانان و مفاد کنوانسیون حقوق کودک نیست و از طرفی با وجود پذیرش مسئولیت کیفری نسبی در حقوق ایران و انگلستان، حقوق ایران این نوع مسئولیت را در جرائم تعزیری پذیرفته و در جرائم مستوجب حد و قصاص نپذیرفته است، لذا در این جرائم به تبعیت از نظر مشهور فقها، سن 9 و 15 سال تمام قمری به ترتیب برای دختران و پسران به عنوان سن مسئولیت کیفری مطلق محسوب می شود. رشد جزایی در قانون مجازات اسلامی 1392 به عنوان یک استثنا آن هم فقط در جرائم مستوجب حد و قصاص پذیرفته شده است؛ چراکه در این جرائم همین که مرتکب به سن بلوغ یعنی دختران 9 سال تمام و پسران 15 سال تمام قمری برسند، اصل بر رشد جزایی مرتکب است، مگر اینکه یکی از موارد سه گانه (عدم درک ماهیت رفتار، عدم درک حرمت عمل و شبهه در عقل) وجود داشته باشد که در صورت اثبات یکی از این موارد، هرچند مرتکب به سن بلوغ رسیده است، اما چنانچه کمتر از 18 سال تمام شمسی سن داشته باشد، در چنین حالتی مجازات قصاص و حد منتفی و به جای آن یکی از تصمیمات مقرر در فصل مربوط به اطفال و نوجوانان در نظر گرفته میشود. نکته قابل طرح این است پذیرش رشد جزایی در تمام جرائم به عنوان اصل نه به عنوان یک استثنا جزو ملزومات حقوق کیفری فعلی محسوب می شود و امید است سیاستگذاران کیفری ایران موضوع تفکیک سنی و جنسی بلوغ را تحت شرایطی نسخ و یک سن مشخصی را به عنوان سن رشد جزایی که برگرفته از نظرات فقها (به جهت رعایت موازین شرعی) و منطبق با اسناد و کنوانسیون های بین المللی نیز باشد، تعیین نمایند. در حقوق انگلستان حذف اماره عدم رشد اطفال بین 10 تا 14 سال در سال 1998 بر اساس قانون جرم و بی نظمی هرچند در پیشگیری از بزه کاری جوانان نقش بسیار مهمی داشته است، اما عملاً سبب شده است که آمار کودکان بازداشتی در مقایسه با سایر کشورهای اروپایی به مراتب افزایش چشم گیری داشته باشد، به طوریکه مجازات حبس از حدود 4000 مورد در سال 1992 به 7600 مورد در سال 2001 یعنی 90% افزایش رسیده و این وضعیت تا به امروز هم استمرار داشته است که بهم منظور حمایت از کودکان در سیستم حقوقی انگلستان لازم است سیاستگذاران امر کیفری، ضمن احیای این اماره در مورد اطفال 10 تا 14 سال، بر مسموع بودن دفاع عدم رشد در شرایط فعلی نظر داشته باشند تا بدین ترتیب بسیاری از مشکلات پیش آمده مرتفع شود.

یادداشت ها :

ماده ۸۸- دربارهٔ اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری میشوند و سن آنها در زمان ارتکاب، ۹ تا ۱۵ سال تمام شمسی است حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ میکند:

الف- تسلیم به والدین یا اولیا یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان

تبصره- هرگاه دادگاه مصلحت بداند میتواند حسب مورد از اشخاص مذکور در این بند تعهد به انجام اموری از قبیل موارد ذیل و اعلام نتیجه به دادگاه در مهلت مقرر را نیز اخذ نماید:

معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روانشناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان؛ فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه‌آموزی؛ اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک؛

جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه؛

جلوگیری از رفت‌وآمد طفل یا نوجوان به محلهای معین

ب- تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند با الزام به انجام دستورهای مذکور در بند (الف) در صورت عدم صلاحیت والدین، اولیا یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا عدم دسترسی به آنها با رعایت مقررات ماده (۱۷۳) قانون مدنی.

تبصره- تسلیم طفل به اشخاص واجد صلاحیت منوط به قبول آنان است. تبصره ۱- تصمیمات مذکور در بندهای (ت) و (ث) فقط دربارهٔ اطفال و نوجوانان دوازده تا پانزده سال قبلاجر است. اعمال مقررات بند (ث) در مورد اطفال و نوجوانانی که جرائم موجب تعزیر درجه یک تا پنج را مرتکب شده‌اند، الزامی است.

تبصره ۲- هرگاه نابالغ مرتکب یکی از جرائم موجب حد یا قصاص گردد در صورتیکه از دوازده تا پانزده سال قمری داشته باشد به یکی از اقدامات مقرر در بندهای (ت) و (ث) محکوم میشود و در غیر این صورت یکی از اقدامات مقرر در بندهای (الف) تا (پ) این ماده در مورد آنها اتخاذ میگردد. تبصره ۳- در مورد تصمیمات مورد اشاره در بندهای (الف) و (ب) این ماده، دادگاه اطفال و نوجوانان میتواند با توجه به تحقیقات به عمل آمده و همچنین گزارشهای مددکاران اجتماعی از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او، هر چند بار که مصلحت طفل یا نوجوان اقتضاء کند در تصمیم خود تجدیدنظر نماید.

ماده ۸۹- دربارهٔ نوجوانانی که مرتکب جرم تعزیری میشوند و سن آنها در زمان ارتکاب، بین ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی است مجازات زیر اجرا میشود:

الف- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از دو تا پنج سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه یک تا سه است.

ب- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از یک تا سه سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه چهار است.

پ- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال یا پرداخت جزای نقدی از ده میلیون ریال تا چهل میلیون ریال یا انجام یکصد و هشتاد تا هفتصد و بیست ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه پنج است.

ت- پرداخت جزای نقدی از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال یا انجام شصت تا یکصد و هشتاد ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه شش است.

ث- پرداخت جزای نقدی تا یک میلیون ریال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه هفت و هشت است. تبصره ۱- ساعات ارائه خدمات عمومی، بیش از چهار ساعت در روز نیست.

تبصره ۲- دادگاه میتواند با توجه به وضع متهم و جرم ارتكابی، بهجای صدور حکم به مجازات نگهداری یا جزای نقدی موضوعبندهای (الف) تا (پ) این ماده، به اقامت در منزل در ساعاتی که دادگاه معین میکند یا به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته حسب مورد برای سه ماه تا پنج سال حکم دهد.

پ- نصیحت به وسیله قاضی دادگاه؛

ت- اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم؛

ث- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرائم تعزیری درجه یک تا پنج؛

منابع

- پور قهرمانی، بابک. ۱۳۹۲، تأملی بر مسئولیت کیفری اطفال در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ از سیاست تفریطی تا سیاست افراطی، «کنفرانس ملی سیاست کیفری ایران در قبال بزهکاری و بزه دیدگی کودکان و نوجوانان، کرمان: دانشگاه تحصیلات تکمیلی صنعتی و فناوری .

- تدین، عباس، باقری نژاد، زینب، ۱۳۸۶، مقاله سن مسئولیت کیفری در کشورهای اروپایی و ایران،

مجله تعالی حقوق، سال دوم، شماره ۱۸. *شپشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۹۸، چاپ بیست و دوم، نشر کتابخانه گنج دانش .

- حسینجانی، بهمن، مسعود مظاهری تهرانی، ۱۳۹۹، اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری با نگرشی به قوانین کیفری فرانسه و آمریکا، انتشارات مجد.

- حیدری، مسعود. ۱۳۹۴ بررسی تطبیقی سن مسئولیت کیفری اطفال در فقه اسلامی، اسناد بین المللی و قانون، «فصلنامه پژوهشی تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره اول.

- دانش تاج زمان، ۱۳۹۶ دادرسی اطفال بزهکار در حقوق تطبیقی، تهران: انتشارات میزان.

- زراعت، عباس، ۱۳۹۲، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، چاپ اول، انتشارات ققنوس.

- صلاحی، جاوید، بزهکاری اطفال و نوجوان، نشر میزان، زمستان ۱۳۹۶.

- عبادی، شیرین، ۱۳۷۵، حقوق کودک، انتشارات کانون، چاپ چهارم.

- فتحی، حجت‌الله. ۱۳۸۸ مسئولیت کیفری اطفال با رویکرد لایحه قانون مجازات اسلامی، «نشریه حقوق اسلامی، سال ششم، شماره ۲.
- فن گلان، گرهارد ترجمه؛ حافظیان، محمدحسین، ۱۳۹۹، حقوق میان ملت‌ها - در آمدی بر حقوق بین الملل عمومی - جلد دوم، انتشارات میزان.
- گل پرور، حسن، ۱۳۷۸، بررسی تطبیقی مسئولیت کیفری و دادرسی اطفال در حقوق ایران و انگلیس، «پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، مجتمع آموزش عالی قم.
- مهرا، نسرين. ۱۳۹۰، عدالت کیفری کودکان و نوجوانان، تهران: بنیاد حقوقی، چاپ اول، میزان.
- معظمی، شهلا، ۱۳۹۰، بزهکاری کودکان و نوجوانان، نشر دادگستر، چاپ پنجم.
- میر محمدصادقی، حسین و منصوره محمدی، ۱۳۹۵، بررسی سن مسئولیت کیفری کودکان در ادوار قانونگذاری ایران و فقه جزایی اسلام، چاپ اول، نشر میزان.

